

از باغ الهی

حضرت بهاء الله

نسخه اصل فارسی



از باغ الهی - آثار حضرت بهاء الله - بر اساس نسخه موجود در "کتابخانه آثار بهائی" در مرکز
جهانی بهائی - شماره ۹

از	باغ	الهی	با	سدره	ناری	آن	تازه	غلام	آمد
های	های	هذا	جُذِبَ	الهی	هذا	خَلَعَ	یزدانی	قُصِّ	ربّانی
با	ابحر	حیوانی	با	کوثر	روحانی	آن	ربّ	انام	آمد
های	های	هذا	عَذِبَ	سبحانی	هذا	لُطِفَ	رحمانی	طُرِزَ	عَذَبانی
از	مصر	عمائی	آن	یوسف	شیرازی	با	عشوه	و	نام
های	های	هذا	وُجِهَ	ازلانی	هذا	طُلِعَ	نورانی	هذا	بَدِعَ
آن	قاتل	عشّاقان	وان	محیی	محبوبان	با	سیف	و	سهم
های	های	هذا	سُيِّفَ	عشقانی	هذا	رُحِّ	غمزانی	هذا	سَهْمَ
از	خلف	حجاب	جان	واز	شهر	لقای	جانان	با	بخشش
های	های	هذا	لَمِعَ	قدسانی	هذا	قَدِمَ	قدمانی	هذا	کَرِمَ
آن	جوهر	ابقا	از	مخزن	اسما	با	ظلّ	غمام	آمد
های	های	هذا	خُزِنَ	کُتِرانی	هذا	لُئِلَ	صدفانی	هذا	صِفَتَ
آن	فارس	میدان	وان	قاتل	محبوبان	با	تیغ	و	حسام
های	های	هذا	جَیْدَ	حَضْرانی	هذا	صُدِرَ	الطافی	هذا	عَذِبَ
آن	موجد	بیضا	آن	مظهر	ابها	در	روز	قیام	آمد
های	های	هذا	اَلِهَ	بدعانی	هذا	رَبِّ	قدسانی	هذا	مِلَحَ
آن	سرّ	جمال	الله	وان	صرف	جلال	الله	با	صوت
های	های	هذا	شُغِفَ	لمعانی	هذا	جُذِبَ	قدمانی	هذا	وَلَهَ
با	رنّه	ورقا	با	غنچه	روحا	با	کاسه	و	جام
های	های	هذا	هُكِّلَ	غُلّهانی	هذا	حِکْمُ	سبحانی	هذا	غُنِجَ



ORIGINAL

با ناز جهانسوز با راز جگردوز از مشرق لام آمد
 های های های هذا رُقَصْ عجبانی هذا كَبِدْ شبّاکي هذا جگر حَرّاقی
 آن باز شکاری از ساعد سلطانی با طبل و خيام آمد
 های های های هذا طَيْرٌ رضوانی هذا صَعْدٌ قطرانی هذا وَرَقٌ خَضْرَائِی
 هم مقصد مقصود عالم هم مظهر معبود آدم با جشن مدام آمد
 های های های هذا قَدَرٌ عَظْمَانِی هذا عَظْمٌ قدرانی هذا جِيشٌ ابدانی
 آن جوهر روح حق با صور انا الحق چون هادم اصنام آمد
 های های های هذا رَنَنٌ سِرِیَانِی هذا غَنَنٌ عِبْرَانِی هذا لَحْنٌ فِرْقَانِی
 با جُعدَةُ افشانی با گیسوی ثعبانی با رحمت و الهام آمد
 های های های هذا غَفَرٌ اَزَالِی هذا كَرَمٌ بَهَائِی هذا هَبَّةٌ رِفْعَانِی
 آن سازج ارواح وان مُحَرَقٌ اشباح با صولت ضرغام آمد
 های های های هذا حُرَقٌ ارواحی هذا عِلْمٌ وَجْدَانِی هذا قَلَمٌ ثَعْبَانِی
 آن وجهه باقی چون صبح الهی در شام ظلام آمد
 های های های هذا شَمْسٌ شَرّاقِی هذا قَمَرٌ لَمْعَانِی هذا نَجْمٌ طِرْزَانِی
 یک موی ز گیسویش یک بوی ز هندویش از وی بمشام آمد
 های های های هذا بُعْثٌ نَوّارِی هذا حُشْرٌ رِبّانِی هذا وَهَبٌ اَهلِی
 از صبح وفای حق از فجر لقای حق آن عیش بکام آمد
 های های های هذا وَلَدٌ شیرازی هذا سَرَجٌ مَشْكَاتِی هذا بَرَقٌ مَصْبَحِی
 صد جام بدستش صد دام بشستش با غمز تمام آمد
 های های های هذا سَدْرٌ سَدْرَانِی هذا شَجَرٌ عَمْرَانِی هذا غَمَزٌ فِتّانِی
 با اصبع لاهوتی با اَمَلٌ یاقوتی با بَطری رام آمد با نطق کلام آمد با شور تمام آمد
 های های های هذا شَرِبٌ نَوْشَانِی هذا عَذَبٌ وَلْهَانِی هذا حُرْكَ رُوحَانِی
 آن شعله ربّانی آن آتش فارانی با برد و سلام آمد
 های های های هذا مَلَحٌ بَهّاجِی هذا سُرٌّ وَهّاجِی هذا اَلَهٌ مَعْرَاجِی
 آن ظاهر مستور آن غایب مشهور از صحن بیام آمد
 های های های هذا عَشُو طَرَفَانِی هذا حَاجِبٌ قَوْسَانِی هذا شَعَلٌ رُوحَانِی
 عیسی ز دمش زنده موسی ز غمش خسته کان شمس تمام آمد
 های های های هذا نَفْحٌ مَنّانِی هذا رُوحٌ رَوّاحِی هذا کَلِمٌ تَمّامِی
 آن قیصر سبحانی با افسر شاهنشاهی با تاج انا الهی چون صبح ز شام آمد
 های های های هذا تَبِيجٌ وَهّابِی هذا صَبِیحٌ بَرّاقِی هذا جَلَلٌ خَلّاقِی

از خلف حجاب قدس واز ستر نقاب انس آن یار دلارام آمد
های های هذا عذر حورائی هذا کس بلاری هذا عین غمازی
با رقصه قدوسی با غمزه سبوحی با کوب مدام آمد
های های هذا طیر فردوسی هذا شق طاوسی هذا نغم ناقوسی
در ارض الهی آن سرو سمائی با مشی و خرام آمد
های های هذا طور الهامی هذا خبر ذوقانی هذا سطر سطرانی
آن سیف الهی با جوهر یزدانی بیرون ز نیام آمد
های های هذا سیف قهاری هذا عتب غفاری هذا بطش جباری
آن بلبل گلزار از گلشن اسرار از دشت بدام آمد
های های هذا طرب جباری هذا اثر ربّانی هذا نفس رحمانی
محتجبانرا مرگی منجمدانرا دردی شاهنشاه ایام آمد
آن کنز تمام آمد آن غیب بنام آمد رغم دل انعام آمد
های های هذا شک سلطانی هذا ککب محوانی هذا لب شعلانی

آن نار الهی از نفس رحمانی قرنهای دمیده شد تا بلون دم عاشقان هوای صمدانی ظاهر گشت و بعد بروح ربّانی عهدها
دمیده شد تا بلون جعد نگار مشهود گشت و لا یعدّ و لا یحصی طائف حول کعبه قرب ذوالجمال و سالک سبیل حرم
ذوالجلال شد تا بشرف ظهور در این لوح مذکور آمد و بهیاکل ارواح قدسی از عشق الهی بخضوع و خشوع و قیام و
جلوس بهیئة کلمات مرقومه در آیات مشهوده مشهود گشت پس باید اطیّار عرشی که قصد مقاصد معارج قدسی نمایند
بوله و آهنگی تلاوت نمایند که جمیع من فی الملک را روح قدیمی و حیات ابدی و زندگی دائمی بخشد لعل رشحات النار
علی صدور الابرار قد کان باذن الله مرشوشاً